

در تابعیت

« ۵ »

باب دوم - تابعیت بعد از تولد - (تابعیت مشتق)

Nationalité Postérieure à la naissance. (Nationalité Derivée)

۵۹- بحث این باب مربوط بتابعیتی است که اشخاص بعد از تولد بدست می‌آورند به‌عبارت‌ه‌ آخری هرکس تابعیتی را که مربوط بتولد و یا مسبق بزمان تولد نبوده و بعداً بعنوانینی که مطالعه خواهد شد بدست آورد مشمول این باب و تابعیت وی از نوع تابعیت مشتق خواهد بود.

فصل اول - تابعیت اعطائی توسط قانون - Nationalité Donnée par le bienfait de la loi

۶- تابعیتی که اشخاص تقاضای بدست آوردن آن را میکنند ممکن است بدوطریق داده شود: اول آنکه تابعیت بر طبق قوانین و مقررات جاریه پس از انجام تشریفات لازمه بمتقاضی اعطاء میشود. دوم آنکه ممکن است دولتها بر طبق اختیاراتیکه قبلاً در این زمینه بآنها داده میشود تابعیت مملکت را باشخاصیکه دارای شرائط خاص و صلاحیت باشند و تقاضا کنند در صورت تمایل تفویض نمایند. فرق این دو آنستکه در طریقه اول دولت برای دادن تابعیت مجبور باطاعت از قانون است و در طریقه دوم تفویض تابعیت صرفاً باختیار دولت میباشد.

قسمت اول - تابعیت اعطائی دائمی - Nationalité Donnée définitivement

۶- تابعیت دائمی را اشخاصی میتوانند بدست آورند که یک رابطه نسبی با افرادی از کشور مربوطه داشته باشند. گاهی ممکن است در هنگام تولد رابطه نسبی منظور موجود نباشد ولی بعداً در طول مدت صغر بطریقی چنین نسبتی پیدا شود مثلاً:

- ۱- مشروع کردن یا مشروع دانستن طفل نامشروع Legitimation
- ۲- مشروع کردن طفل یا قبول او باولادی (فرزند خواندگی)

Legitimation adoptive

۳- قبول تابعیت کشور از طرف ابوین طفل (تحصیل تابعیت) Naturalisation

۶۲- حقوق ایران - دومورد اول مذکور بالا در حقوق ایران وجود ندارد زیرا صرف نظر از توضیحات مختصر قبلی (نمرات ۱ تا ۱۱ و ۳۶ و ۳۷) اصولاً بادر نظر گرفتن اصل اساسی «الولد للفرش» چنین فرض شده است که تقریباً نباید قائل بوجود طفل نامشروع شد. باضافه اطفال مورد بحث یعنی اطفالیکه باید مشروع شناخته شده و یا بفرزندی قبول شوند یا در داخل کشور متولد شده و موجود هستند و یا در خارج متولد شده و همانجا بسر میبرند. در صورت اول همانطوریکه قبلاً توضیح شد قوانین و مقررات کشور تابعیت خود را خود بخود

به اطفال سر راهی اطفال پیدا شده اطفال متولد از اتباع خارجی و غیره اعطا نموده و احتیاجی بتوسل بوسائل ضعیف دیگر ندارند. در صورت دوم صرف نظر از فقدان مدارک لازمه برای وصول آن اطفال اصولاً هیچ کشوری یا داشتن آنهمه یتیم خانه و ینگاه شیروخورشید سرخ یا صلیب سرخ دیگر بدنبال جمع آوری این قبیل افراد کشورهای بیگانه نمی رود.

۹۳- مورد سوم - یعنی اطفال کسانی که بتابعیت ایرانی درآمده باشند مشمول ماده ۹۸۴ ق.م.ا میشوند.

ماده ۹۸۴ - « زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت « ایرانی مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند. ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ « صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن ۱۸ سال تمام « میتواند اظهاریه کتبی بوزارت خارجه داده و تابعیت سابق مملکت شوهر و یا پدر را « قبول کنند. لیکن باظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ « ضمیمه شود »

این ماده نسبت بماده ۹۷۶ (بند ۵ موضوع اطفال متولده در ایران از اتباع خارجی) بسیار ملائم تر و منطقی تر است زیرا بسیار طبیعی است که نبایستی باطفال متولده در خارج که هیچ نوع رابطه قبلی هم با این کشور نداشته اند تابعیت ایران را تحصیل نمود برای آنکه طفل قادر به تشخیص آینده خود نبوده و پدر طفل هم که پیوسته در فکر منافع شخصی و تأمین زندگی خود و عائله اش میباشد نمیتواند و حقاً هم نباید بتواند آینده نامعلومی را بطفل خویش تحصیل نماید چه اکثراً ممکن است با منافع مشارالیه منافات داشته باشد. پرواضح است که هر طفلی سوای پدر و مادر اقوام و دوستان و اطرافیانی دارد که شاید علاقه طفل بآنها و بالعکس بیشتر و یا لا اقل معادل با علاقه پدر طفل باشد. در چنین وضعی چگونه ممکن است پدر طفل ضمن تعقیب منافع شخصی خود جلای وطن کرده و با قبول تابعیت کشور دیگر طفل را از تمام آن علائق محروم و حتی آینده اش را با تحصیل این تابعیت بخطر اندازد.

بهر صورت چنین طفلی اگر در آستانه سن رشد باشد که خود قادر بت تشخیص بوده و پس از رسیدن بسن ۱۸ سال راه زندگی را انتخاب میکند و چنانچه در سنین صغر باشد در طول مدت با محیط تازه آشنا شده و پس از رسیدن بسن ۱۸ سال با احتمال قوی ممکن است در اثر طبیعت کودک و ایجاد رابطه تازه علاقه ای در او پیدا شده و بتابعیت کشور را قبول نماید. با این ترتیب دیگر احتیاجی به تحصیل تابعیت بطفل همان تازه وارد نخواهد بود.

مخالفین عقیده بالاسی گویند که چون مسئله تابعیت مربوط به منافع دولتها بوده و بهیچوجه با منطبق و احساسات سازگار نیست ناچار باید قبول کرد که وقتی پدری تابعیت کشوری اختیار میکند عائله او که شامل اولادانش میباشد نیز بایستی تابعیت کشور جدید را دارا شوند و گرنه قبول یک فرد عادی مجرد بتابعیت کشور جز در مواقع استثنائی خاصیتی نخواهد داشت.

این عقیده هر چند ممکن است صحیح بنظر برسد لکن چنانچه بنا شود که دولتها همیشه جنبه احساسات و منطبق را در مورد مسئله تابعیت کنار بگذارند دائم در تضاد منافع قرار گرفته و بالنتیجه امکان اختلاف نظر های کلی و زیادتری بوجود خواهد آمد.

۶۴ - **قانون فرانسه** - تابعیت اولاد شخص تازه تبعه تفویضی نیست بلکه تحمیلی است باین معنی که تا سال ۱۹۲۷ چنین طفلی مانند قانون ایران حق انتخاب تابعیت را داشت ولی در قانون جدید این اختیار از وی سلب شد و طفل بر طبق ماده ۸۴ ق. ت. ف ناچار تبعه فرانسه خواهد بود مگر کسانی که بد اخلاق نامناسب و متاهل بوده و یا در ارتش کشور اصلی خدمت کرده و یا در حال خدمتند.

ماده ۸۴ مزبور با جباری بودن تابعیت این اطفال اکتفاء نکرده و آنها را دچار پاره‌ای محرومیت‌های اجتماعی و مدنی مینماید باین معنی که آنها برخلاف اتباع اصلی مانند پدر و مادر تازه تبعه خود دارای مزایای محدودی میباشند و حال آنکه در صورت آزادی انتخاب تابعیت و یا اقل دارا بودن تمام مزایای یک فرد اصلی کشور ممکن بود این اطفال بینوا بزرگترین مقام و مرتبه بشری هم برسند.

قانون فرانسه با تمام ملایمت و دقتی که دارد در این مورد افراط کرده و با آنکه معمولاً (چنانکه قبلاً اشاره شد) تابعیت مادر را ملاک تابعیت طفل قرار نمیدهد باز اولاد زنان بیوه‌ای را که بتابعیت کشور درمیآیند تبعه خود میداند در حالیکه واقعاً روا نیست طفل بی پدری را بعلمت هوسی مادر از آتیه و سرنوشت اصلی اش دور و تا آخر عمر او را محکوم به پیروی از سنویات مادر کرد.

قسمت دوم تابعیت اعطائی موقت - Nationalité Donnée Provisoirement

۶۵ - این نوع تابعیت ربطی بتولد و نسبت و با خدمت انجام شده بخصوصی ندارد فقط بمناسبت ازدواج بزنهاى خارجی زوجه مردان اتباع کشور داده میشود. این تابعیت از آن جهت موقت است که هر زن خارجی به محض فوت شوهر و یا وقوع طلاق میتواند در ظرف یک مهلت قانونی با تقدیم تقاضای شخصی بوزارت امور خارجه بتابعیت اصلی خود برگردد. تابعیت زن خارجی که با مرد تبعه کشور دیگر ازدواج میکند دارای مراحل و اشکال مختلفی میباشد:

مرحله اول وحدت تابعیت زن و شوهر - که در این مورد زن بمحض ازدواج بتابعیت شوهر درمیآید.

مرحله دوم مرحله استقلال نسبی تابعیت زن - در این مرحله زن در صورت تقاضا بتابعیت شوهر درمیآید و همچنین در صورتیکه کشور اولیه مشارالیها بعلمت ازدواج با و اجازه حفظ تابعیت خود را ندهد لزوماً بتابعیت جدید بوی داده خواهد شد.

مرحله سوم مرحله استقلال مطلق زن است - در این مورد زن میتواند بتابعیت اصلی خود را حفظ نماید ولی در بعضی از کشورها مثل فرانسه چنانچه زن بتابعیت جدید را در ابتداء ازدواج رد کرده باشد و کشور اولیه هم اجازه برگشت بتابعیت را نداده باشد ناچار بدون تابعیت خواهد ماند.

مرحله چهارم مرحله وحدت و استقلال زن - یعنی اگر زن که میتواند بتابعیت اصلی کشور را محفوظ بدارد در صورت عدم تقاضای شخصی خود بخود بتابعیت کشور شوهر درمیآید.

۶۶ - **تابعیت زن خارجی زوجه مرد ایرانی در قانون ایران** - قانون

ایران بر روی هم در مراحل مختلفه پیروی از وحدت تابعیت زن و شوهر نموده است .
 الف) ماده ۶ قانون ۱۸۹۴ (۱۲۷۲ شمسی) مقرر کرده بود که : « زنیای خارجی
 که با اتباع ایرانی ازدواج میکنند به تبعیت از شوهر خود ایرانی میشوند . »
 با این ترتیب تابعیت زن اجباری بوده و مشارالیه حق حفظ تابعیت اصلی خود را
 نمیداشت .

ب) در قانون فعلی تابعیت نیز قانونگذار چنین تشخیص داده است که وقتی زن
 خارجی با رضا و رغبت زوجه مرد ایرانی میشود طبیعی تر و منطقی تر است که تابعیت او هم
 با تابعیت شوهر یکسان باشد . تا پایه بنای ازدواج آنها استوارتر گردد . و از این رو در بند ۶
 ماده ۹۷ ق . م . ا . چنین مقرر داشته است که : « هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی
 اختیار کند ایرانی است » از این ماده چنین استنباط میشود :

۱) باید ازدواج واقعی و قانونی صورت گرفته باشد . ازدواج وقتی قانونی است که
 سجل احوال زن (موضوع ماده ۹۳ از ق . م . ا بر طبق ماده ۱۰۰۱ همان قانون توسط
 کنسولگری ایران تعیین و ثبت شده باشد .

۲) مبداء شروع تاریخ تابعیت ایرانی زن هر چند در قوانین ذکر نشده لکن خود
 بخود Ipso-facto معلوم و مشخص میشود که همان روز وساعت وقوع عقد ازدواج است .
 ۳) حقوق و مزایای زنانی که باین طریق ایرانی میشوند عیناً مانند حقوق زنان
 ایرانی الاصل است .

۶۷- نکته مهم - بسیار لازم است که یادآور شویم که زنان بواسطه لطافت و زیبایی و
 خواص و ریزه کاریهای مخصوص خود و هم چنین هزاران علل معلوم و نامعلوم دیگر بیشتر
 از مردان مستعد جاسوسی و تحصیل محرمانه ترین اسرار مملکت میباشند . از طرفی بدست
 آوردن تابعیت کشوری محققاً باید واجد شرائط خاصی بوده و پس از مدتی کم و بیش طولانی
 و انجام تشریفات لازمه تازه امکان تحصیل تابعیت بدست آید . در حالیکه برای یک زن کافی
 است که با انجام مراسم ازدواج با مردی از کشور منظور در یک ساعت تبعه آنجا شود
 پس با در نظر گرفتن سادگی تحصیل تابعیت زن و توجه به خطرات احتمالی جاسوسی
 و غیره لازم میآید که هر کشوری برای حفظ منافع و امنیت و استقلال خود و جلوگیری از
 ضررهای ممکن الوقوع مقررات خاصی وضع نماید .

در کشور فرانسه احتیاطات لازمه در این موضوع و آثار داخلی و خارجی آن در نظر
 گرفته شده است . ولی متأسفانه در کشور ما هیچگونه توجهی نسبت باین امر مبذول نشده است
 در حالیکه با وجود ارتباطات روزافزون و ازدیاد ازدواجهای خارجی تنظیم مقررات خاص برای
 تضمین حسن سابقه و رفتار اینقبیل زنان خارجی بسیار ضروری است .

۶۸ - تابعیت زنان خارجی که شوهر آنها با تابعیت ایران در میآیند - قبلاً

(نمرات ۴ و ۹) بطور تفصیل مسئله اطفال خارجیانیکه تابعیت ایرانی قبول میکردند مورد
 بررسی قرار گرفت و بعداً نیز (نمره . . .) مطالبی در آن مورد بیان خواهد شد . اینک
 میبود ازیم بتشریح وضع زنان اینقبیل افراد تازه تبعه .

بسیار بجا و منطقی است که نباید تابعیت کشور را بزنان مردان خارجی که تازه تبعه

شده‌اند تحمیل نمود. براساس همین نظریه منطقی ماده ۹۸۴ ق. م. ا مذکور (نمره ۶۳) زن را درانتخاب تابعیت آزاد گذاشته است.

از ماده ۹۸۴ نکاتی بشرح زیر مستفاد میشود:

- ۱ - مهلت انتخاب تابعیت زن یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر است.
- ۲ - چون ممکن است که زن چنین شخص خارجی در هنگام ازدواج تابعیتی غیر از تابعیت شوهر داشته و بعد از ازدواج یا تابعیت اولیه خود و یا مال شوهر را انتخاب کرده باشد. پس در وضع فعلی که مجدداً این اختیار انتخاب را پیدا میکند بین سه تابعیت مخیر میشود.

الف - تابعیت ایرانی که بر اثر تابعیت شوهر بوجود میآید.

ب - تابعیت کشور اولیه شوهر که در اثر ازدواج با او بدست آورده بود.

ج - تابعیت اصلی خودش که میتواند بان برگشت نماید.

۳ - چنانچه در ظرف مهلت مقرر زن تابعیتی برای خود انتخاب نکرد ایرانی شناخته

میشود.

۴ - مبداء تاریخ تابعیت زن اعم از اینکه تقاضا و یا سکوت کرده باشد همان تاریخ

شروع تابعیت شوهر او میباشد.

۵ - حقوق و مزایای چنین زنی مانند شوهر تازه ایرانی شده او منطبق با ماده ۹۸۲

ق. م. ا میباشد.

خوشبختانه در قوانین کشور مقررات احتیاطی در مورد این قبیل زنان اتخاذ شده که

بعداً (نمره . . .) بیان خواهد شد. زیرا وضع اینان نسبت بزنان دسته اول که بزوجیت

مردان ایرانی الاصل و یا مردان خارجی که قبل از ازدواج بتابعیت ایرانی درآمده باشند. و یا

بالاخره نسبت بزنانیکه خود شخصاً تقاضای تابعیت ایران نموده باشند بسیار فرق داشته و

موقتی تر هستند بقسمیکه میتوان گفت ممکن است هیچگونه علاقه نسبت بکشورتخابی شوهر

خارجی خود نداشته و حتی از این تغییر تابعیتها ناراضی هم باشند.